

گل محمدی، سعید، ۱۳۶۳ - گردآورنده
خوشبختی یا بدبختی؟ انتخاب یا شماست ... / سعید گل محمدی
تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۱

۲۱۶ ص
۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۴۶۶-۴

فینا

داستان‌های آموزنده - مجموعه‌ها

داستان‌های اخلاقی - مجموعه‌ها

۱۳۹۱ ۸۰۸ / ۸۳۱

۲۸۸۱۸۷۲

خوشبختی یا بدبختی؟ انتخاب با شماست

گردآورنده: سعید گل محمدی

ویراستار: مونا مغفرتی

صفحه‌آرا: مریم خوب‌بخت

طراح جلد: ندا صحت

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۲

قیمت: ۸۴۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۴۶۶-۴

ISBN: 978-964-236-466-4

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.
نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸ - تلفن: ۹ - ۸۸۹۴۲۲۴۷

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com

فهرست

فرار از اردوگاه مرگ.....	۶۰	فهرست.....	۱۱
مخترع.....	۶۵	سخن نگارنده.....	۱۳
حکایت زیبایی.....	۶۷	به تئاتر بروا.....	۱۹
تغییر کنیم.....	۶۹	زیبایی درون.....	۲۳
ترس.....	۷۱	راه حل مشکل.....	۲۴
موعظه.....	۷۲	هرگز تسلیم نشوید.....	۲۵
مشکلات را شکلات کنید.....	۷۴	خطر نکردن.....	۲۶
قدرت تصویر ذهنی.....	۷۶	اعتماد به خود.....	۲۷
دست نوازش.....	۷۸	حکایتی از ملا نصرالدین.....	۲۸
اسب گمشده.....	۸۰	خطر حمله‌ی سگ.....	۲۹
خرمت شکن.....	۸۲	شکست.....	۳۱
دیشب، دیروز به پایان رسید.....	۸۴	مفهوم زندگی.....	۳۴
موفقیت.....	۸۵	هدیه‌ای به خدا.....	۳۵
هشت لیوان آب.....	۸۶	راه صحیح.....	۴۷
آینده.....	۸۸	بزرگان‌دیش باشیم.....	۳۸
صدای سخن عشق.....	۸۹	نگرش.....	۴۰
غفلت.....	۹۱	هنگامی برای.....	۴۱
معلم افلاطون.....	۹۲	گذشته‌ات را از یاد مبر.....	۴۳
تقلید کورکورانه.....	۹۳	سوء تفاهم.....	۴۵
نگرش بزرگ‌ترین دارای شماسست.....	۹۵	راز زندگی.....	۴۷
نفرت.....	۹۷	وقت طلاست.....	۴۸
مشری سلطان است.....	۹۸	شعبده‌باز.....	۵۰
زندگی مسابقه نیست!.....	۹۹	خلاقیت، خلاقیت می‌آفریند.....	۵۱
طمع نکند.....	۱۰۱	نصیحت.....	۵۲
جوانی و پیری.....	۱۰۲	ایثار.....	۵۳
خودخواه نباشیم.....	۱۰۴	موهبت و نعمت.....	۵۵
دست‌آورد در برابر عمل.....	۱۰۵	از دست دادن یا به دست آوردن؟.....	۵۶
فروش ایده.....	۱۰۶	ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام.....	
معجزه‌ی توجه.....	۱۰۸	ما.....	۵۹

۱۶۱.....	قدرت پرسش.....	۱۱۰.....	تربیت کودک.....
۱۶۲.....	شبی که به سیرک رفتیم.....	۱۱۲.....	اهل معاشرت باشیم.....
هرکسی آن درود عاقبت کار که	کشت.....	۱۱۵.....	آرزوی مردگان.....
۱۶۴.....	مَتَواضع باشیم.....	۱۱۶.....	پنجره‌ی طلایی.....
۱۶۶.....	اگر هنوز زنده‌ای.....	۱۱۸.....	دنیای فانی.....
۱۶۷.....	کامیون حمل زباله.....	۱۱۹.....	انسان شایسته.....
۱۶۹.....	قضاوت.....	۱۲۰.....	خودفراموشی و خدمت به مردم.....
۱۷۱.....	مزد آن گرفت جان برادر که کار	۱۲۲.....	پستکار داشته باشیم.....
کرد.....	دعای خیر.....	۱۲۴.....	شروع دوباره.....
۱۷۳.....	برنده یا بازنده، انتخاب با شماست.....	۱۲۵.....	حکم و مجسمه‌ها.....
۱۷۹.....	بردباری.....	۱۲۷.....	تصویر مرگ.....
۱۸۰.....	سلف سرویسی به نام زندگی..	۱۲۹.....	پند طلایی.....
نامه‌ی آبراهام لینکلن به معلم	پسرش.....	۱۳۰.....	کشتی نوح.....
۱۸۲.....	حکایتی از اینشتین.....	۱۳۱.....	نگران روزی خود نباشید.....
۱۸۴.....	هدفمند زندگی کنیم.....	۱۳۲.....	منتی به خاطر خدمت نیست.....
۱۸۶.....	امانت‌دار باشیم.....	۱۳۳.....	عادات منفی.....
۱۸۷.....	قدرت کلام.....	۱۳۵.....	نیکی کنیم.....
۱۸۹.....	شانس.....	۱۳۷.....	لانه‌ی گنجشک و مار.....
۱۹۱.....	شانگهای بارپکن.....	۱۳۸.....	نرم‌خویی.....
۱۹۵.....	حکایتی از ابراهیم ادهم.....	۱۳۹.....	روابط.....
۱۹۸.....	بندگی راستین.....	۱۴۱.....	ارزش لیخند.....
۱۹۹.....	کمک در زیر باران.....	۱۴۳.....	مرغابی‌های زندگی.....
۲۰۱.....	آن سوی پنجره.....	۱۴۶.....	زندگی زیباست.....
۲۰۳.....	تحمل سرما.....	۱۴۷.....	حکایت توبه.....
۲۰۵.....	سخن آخر.....	۱۴۸.....	آرامش.....
۲۰۶.....	فهرست برخی از منابع.....	۱۵۰.....	آرامش در مهربانی است.....
۲۱۱.....		۱۵۱.....	قهرمان شدن فقط با یک فن.....
		۱۵۳.....	اگر یک‌بار دیگر به دنیا می‌آدم.....
		۱۵۵.....	آیینہ.....
		۱۵۶.....	عیب.....
		۱۵۷.....	درستکار و با صداقت باشیم.....
		۱۵۹.....	بامعرفت باشیم.....
		۱۶۰.....	عملکرد.....

سخن نگارنده

سلام من
به شوق نگاه منتظرت
به دل تنهای مهربانت
به اشک چشمان شریف
به آبخار شکر شوق حضور تو
که قامت بلند عشقی.

روزی جوانی جویای حقیقت، نزد استادی دانشمند و با کمالات رفت و
از او پرسید:

«من خیلی از مرگ می ترسم، نمی دانم چه کنم. من که زندگی
خوبی دارم، کاری به کار کسی ندارم و دارم زندگی خودم را می کنم،
چرا باید از این افکار رنج ببرم؟»

استاد در جواب گفت: «چه کسی به تو گفته است که داری زندگی
می کنی؟»

جوان مدتی فکر کرد و گفت: «چون زنده ام، نفس می کشم، راه
می روم، تصمیم می گیرم و...»

استاد ادامه داد و گفت: «به همین دلایلی که می‌گویی زندگی نمی‌کنی، بلکه فقط زنده‌ای! علایمی که تو از آن یاد می‌کنی، دلیل بر زنده بودن است، اما زنده بودن دلیل بر زندگی کردن نیست!»
جوان پرسید: «پس چگونه باید زندگی کنم؟ از کجا بدانم که دارم زندگی می‌کنم یا فقط زنده‌ام؟»

استاد در پاسخ گفت: «نعمت زندگی همانند چشمه‌ی نوری است که از درون، وجود تو را نورانی می‌کند. زمانی که تو از این منبع نورانی، زندگی دیگران را هم نورانی کردی و شمع امید در دلشان افروختی، آن زمان است که با تقسیم نور دلت، به‌راستی زندگی می‌کنی؛ اما کسی که تمام خوبی‌ها، شادی‌ها، ثروت‌ها و خوشبختی‌ها را برای خودش بخواد و کسی را در آن‌ها سهیم نسازد، در واقع مرده است.»

جوان به سخنان استادش گوش داد، اما هنوز جواب پرسشی برایش مبهم بود. چه کسی مرا در شادی‌ها، خوبی‌ها و ثروتش با خود شریک می‌سازد؟

استاد از این پرسش لبخندی زد و ادامه داد: «تا زمانی که آن چشمه‌ی نورانی در دل تو روشن است، تو احساس شادی و خوشحالی خواهی نمود. وقتی دل تو روشن است، تو دیگر احساس نیاز به نور نخواهی داشت؛ چرا که تو خود منبع نوری؛ پس آن زمان از مرگ بیمی نداشته باش؛ چون همیشه زنده‌ای و زندگی خواهی کرد.»

خواننده‌ی عزیز، این کتاب مجموعه‌ای از الهام‌بخش‌ترین حکایات، جملات و اشعاری است که نگارنده از منابع مختلف گردآوری و یا ترجمه کرده است، با این امید که این مجموعه بتواند همان‌طور که برای خود نگارنده اثربخش بوده است، برای خوانندگان آن نیز قابل استفاده و تأثیرگذار باشد و شما بتوانید در مقاطع مختلف زندگی از خرد و پیام‌های نهفته در آن برای ساختن یک زندگی موفق و توأم با شادکامی سود ببرید. به یاد بسپارید که دانستن صرف، کافی نیست، باید به آنچه می‌آموزیم، متعهد باشیم و آن‌ها را در زندگی روزمره‌ی خود در عمل پیاده کنیم.

حکایاتی که در این کتاب ملاحظه خواهید کرد، از میان بیش از صد کتاب روان‌شناسی، با دقت و وسواس خاص، انتخاب شده است؛ به نحوی گاهی با مطالعه‌ی یک کتاب، فقط یک جمله یا یک حکایت! برداشت شده است و با ساعت‌ها خیره ماندن به صفحه‌ی نمایشگر و جستجو در اینترنت و سطر سطر اشعار منثور شاعران و اندیشمندان و روان‌شناسان بزرگ دنیا مانند: آنتونی رابینز، لوئیز هی زیگ زیگلار، جک کنفیلد، لئو بوسکالیا و... در راستای تجسم بخشیدن به یک تفکر بدیع و پویا که به نوعی احساس حرکت و رویش را در روح انسان پدید آورد، به شما عزیزان تقدیم می‌گردد!

از خاطر نبریم سروده‌ی شاعر لطیف‌اندیش، «پروین اعتصامی» را که گفته:

تو نیز از قصه‌های باستان گردی

بخوان از بهر عبرت قصه‌های باستانی را

هر چند در تنظیم، تدوین و هماهنگی مطالب این کتاب، تلاش و کوشش زیادی به عمل آمد و در ساختن و پرداختن حکایات و مفاهیم مندرج در آن سعی بلیغ و جدی مبذول شد، امیدوارم کمبودها و کاستی‌های آن به لطف لطیف نازک‌اندیشان و نقد نفیس نقادان رخ از نقاب بیرون کشد و رهنمودهای مشفقانه‌ی فرهیختگان دیارمان راهنمایمان باشد.

خوانندگان فاضل و گرامی می‌توانند نظرات و پیشنهادات خود را درباره‌ی این کتاب به پست الکترونیکی prosperitymind@yahoo.com و یا سایت www.NimKiloo.com ارسال نمایند.

برایتان دلی عاشق، ذهنی جستجوگر، روحی عصیانگر، نگاهی پرهیزگر و زبانی پرسشگر می‌طلبم.
در پایان چیزی برای گفتن ندارم، جز تشکر از خداوند متعال که هرچه دارم و داریم از اوست.

به امید روزی که هیچ فردایی

در جایی نباشد که دیروزش بوده‌اید

سعید گل محمدی

برای عضویت در سامانه پیامک جهت اطلاعات بیشتر در مورد چاپ آخرین آثار سعید گل محمدی، عدد یک (۱) را به شماره ۳۰۰۵۹۶۶۰۰۰۳۰ ارسال نمایید.